

انسان در فلسفه شیخ مرتضای علی

مهدی امیدی

مجمع عالی حکمت اسلامی



انسان متعالی در فلسفه سیاسی متعالیه

۵۳

موضوع: صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ق. -	سرشناسه: امید، مهدی، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور: انسان متعالی در فلسفه سیاسی متعالیه/مهدی	
امیدی: [به سفارش] مجمع عالی حکمت اسلامی.	
مشخصات نشر: قم: انتشارات حکمت اسلامی، ۱۴۰۰.	
مشخصات ظاهری: ۲۸۸ص.	
فروست: انتشارات حکمت اسلامی؛ ۵۳. فلسفه سیاسی: ۱.	
شابک: ۸-۴۱-۸۳۵۹-۶۰۰-۹۷۸-۷۰۰۰۰۰ ریال	
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۸۱] - ۲۸۶.	
یادداشت: نمایه.	

شناسنامه کتاب:

مؤلف:	به سفارش:	ناشر:	چاپ:
مهدی امید	مجمع عالی حکمت اسلامی	انتشارات حکمت اسلامی	نشر زیتون سرخ
نوبت چاپ:	سال نشر:	تیراژ:	قیمت:
اول	پاییز ۱۴۰۰	۱۰۰۰ نسخه	۷۰۰/۰۰۰ ریال

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

امور نشر:	ویراستار:	نمایه‌ساز:	حروف‌نگار و صفحه‌آرا:
حسین اویسی	سلیمان محمودی مقدم	محمود حسن‌زاده	حسن محسنی
توزیع و بازاریابی:	فروشگاه نشر:		
عباس پریمی	مجتبی پرهیزکار		محمدباقر خراسانی - مدیر مسئول

تمامی حقوق نشر مکتوب و دیجیتال اثر متعلق به انتشارات حکمت اسلامی است.

آدرس دفتر مرکزی: قم، خیابان ۱۹ دی، کوچه ۱۰، کوچه ۲، مجمع عالی حکمت اسلامی

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۵۷۶۱۰ - نمابر: ۳۷۷۲۱۰۰۴

آدرس فروشگاه: قم، بلوار معلم، مجتمع ناشران، واحد ۱۰۴

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۵۸

www.hekmateislami.com
info@hekmateislami.com
nashr@hekmateislami.com

۱۱ سخن ناشر

۱۳ مقدمه

بخش اول: مفاهیم و کلیات

۲۹ طرح مسئله

۳۸ مفاهیم اساسی

۴۰ روش‌شناسی ملاصدرا

۴۴ مفروضات تحقیق

بخش دوم: حکمت عملی و معرفت نفس

۴۷ فصل اول: انسان در حکمت متعالیه

۴۷ مقدمه

۵۵ حکمت عملی و معرفت نفس

۵۶ ماهیت تألیفی انسان

۵۹ تعالی‌گرایی نفس

۶۰	 حیثیت فاعلی و قابلی نفس
۶۴	 جهات طبیعی و فراطبیعی نفس
۶۶	 وحدت نفس، کثرت قوای نفس
۶۹	 ذو مراتب بودن نفس
۷۲	 تجرد یا بقاء نفس
۷۲	 حیات معقول در پرتو بقای نفس
۷۴	 مراتب عقلانی نفس
۷۶	 نفس، واسطه جهان مادی و روحانی
۷۹	 کرامت تشکیکی نفس
۸۱	 فصل دوم: انسان و اجتماع بشری
۸۱	 شباهت اجتماع بشری با نفس انسانی
۸۳	 رابطه نحوه تدبیر اجتماع با ماهیت شکوفایی نفس
۸۷	 ثبات و تحول نفس، مبنای ثبات و تحول جامعه
۹۰	 تمایز وحدت و کثرت در نفس از مدینه فاضله
۹۲	 حقیقت اجتماع در پرتو «وحدت اتصالیه نفس»
۹۴	 سطوح ادراک نفس و صلاحیت تصدی اجتماعی
۹۶	 شناخت شهودی نفس، مقدمه ولایت عامه
۹۸	 فاعلیت تشکیکی نفس و استحقاق ولایت
۱۰۳	 فصل سوم: انسان و حکومت
۱۰۳	 کمال نفس و ریاست مدینه
۱۰۵	 قدرت، اراده و اختیار نفس و اصل حاکمیت بر سرنوشت
۱۰۷	 سعادت حقیقی نفس و ساختار مدینه فاضله متعالیه
۱۱۰	 سعادت عقلانی نفس و قانون‌گذاری اجتماع

«حکمت» در نظر فیلسوفان قدیم به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شد و این تقسیم ارسطویی بر «غرض از معرفت» استوار بود. اگر غرض از کسب معرفت، نفس معرفت یا کشف حقیقت باشد، حکمت «نظری» است. اما اگر مقصود از آن، معرفت ناظر به حوزه عمل آدمی و زندگی جمعی انسان‌ها باشد، حکمت «عملی» است. حکمت نظری شامل طبیعیات، ریاضیات و الهیات است و حکمت عملی نیز منقسم به سه بخش تهذیب نفس، (اخلاق) سیاست مدن و تدبیر منزل [یا اقتصاد خانواده] است. حکمت عملی، معرفتی است ناظر به حوزه رفتار آدمی و سامان‌دهی عمل انسانی (فردی و اجتماعی) و غرض از آن، حل مشکلات زندگی بشر و تعیین روابط جمعی انسان‌هاست.^۱ فلسفه سیاسی بخشی از حکمت عملی، و حکمت عملی نیز خود تابع حکمت نظری است.

این تقسیم در موضوع فلسفه، یعنی «وجود» نیز جاری است؛ زیرا موضوع فلسفه، «وجود» به نحو اطلاقی آن است که خود، قابل انقسام به دو قسم «وجود غیر مقدور» و «وجود مقدور» است.^۲ پس در فلسفه از دو نوع وجود بحث می‌شود: وجودهای غیر

۱. عادل ظاهر، *الاسس الفلسفية للعلمانية*، ص ۱۳ و ۱۰۴.

۲. مراد از وجودهای نامقدور، تمامی موجوداتی است که وجود آنها به هیچ وجه وابسته به وجود و اراده آدمی نیست و مراد از

مقدور که متعلق عقل نظری است در «حکمت نظری»، و «وجودها یا هستی‌های مقدور» که متعلق عقل عملی است در «حکمت عملی» بررسی می‌شوند. تمایز این دو حکمت، در نوع معقولات آنهاست.

در حوزه «معرفت»، از حیث متعلق نیز همین تقسیم صورت گرفته است و آن را بر دو قسم «معرفت ناظر بر امر واقع» و «معرفت ناظر به عمل» دانسته‌اند. معرفت ناظر به عمل، باز به نوبه خود به دو قسم کلی تقسیم می‌شود: قسم اول، «معرفت عملی ناظر بر ارزش‌ها» است؛ مانند باید‌ها و نبایدها، اهداف و غایات. قسم دوم نیز «معرفت عملی ناظر به شیوه و ابزار تحقق ارزش‌ها» است.^۱

قسم نخست از معرفت عملی در بحث اخلاق و حقوق، و قسم دیگر آن در هر سه حوزه تهذیب نفس، تدبیر منزل و سیاست مدن مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. تفکیک میان حوزه نظر و عمل، در هر یک از این تقسیمات به معنای قطع ارتباط این دو حوزه از یکدیگر یا «ثنویت معرفتی» نیست. عقل، حکمت و معرفت نظری پشتوانه عقل، حکمت و معرفت عملی است. به عبارت دیگر، حکمت عملی بنیادهای معرفتی خود را در حکمت نظری می‌یابد؛ هم‌چنان‌که حکمت نظری پیامد، آثار و نتایج جزئی خود را از طریق حکمت عملی پی می‌گیرد.

با این حال، در فلسفه‌های نوین، به ویژه در آثار «کانت»،^۲ مسائل مربوط به عقل عملی کاملاً از مسائل عقل نظری تفکیک یافته است. کانت، مدرکات عقل عملی را دستوره‌های قطعی عقلانی دانسته و آن را در چارچوب اخلاق قرار می‌دهد.^۳ مطابق با دیدگاه اول می‌توان «فلسفه وجودی» ملاصدرا را تأمین‌کننده مبانی نظری

۱. وجودهای مقدور، تمامی افعال و صفات و اشیائی است که وجودشان وابسته به اراده آدمی است.

۲. احمدی، انتظار بشر از دین، ص ۲۴۲.

2. Immanuel Kant.

۳. ر. ک به: حائری یزدی، حکمت متعالیه زبان برتر حکمت، ص ۶.

حکمت عملی آن دانست. هدف حکمت، از منظر فیلسوفان اسلامی - از «کندی» تا «ملاصدرا» - عبارت است از علم برهانی به واقعیت اشیاء در حد توان انسان در حیطه نظر و استکمال نفس انسانی در دو حیطه نظری (به واسطه کشف حقایق موجودات و تصدیق به آن) و عملی (از طریق کشف و تصدیق حقایق حاکم بر رفتار و هماهنگ سازی عقلانی نظام رفتاری با آن حقایق). ملاصدرا در این باره می نویسد:

«انّ الفلسفة استكمال النفس الانسانية بمعرفة حقائق الموجودات علی ما هی علیها و الحكم بوجودها تحقیقاً بالبراهین لا اخذاً بالظن و التقليد بقدر الوسع الانسانی و "نظم العالم نظاماً عقلياً علی حسب طاقة البشرية لیحصل التشبه بالباری (جل ذکره)؛ همانا فلسفه عبارت است از استکمال نفس انسانی به واسطه شناخت حقایق موجودات؛ آن گونه که هستند، به میزان توان آدمی (شناختی تحقیقی و برهانی، نه شناختی مبتنی بر گمان و تقلید) و نیز نظم دادن عقلانی عالم [یا انتظام عقلانی شخص عالم] به مقدار توان آدمی تا شباهت به باری تعالی حاصل شود».^۱

نظم دادن عقلانی جهان فرع بر این است که انسان نظام رفتاری خود را سامان دهی نماید. سامان رفتاری انسان نیز باید در جهت مظهر اسماء و صفات خداوند شدن و تخلق یافتن به اخلاق الهی صورت گیرد و چنین هدفی با هدف حکمت عملی و فلسفه سیاسی هماهنگ است. براین اساس، حکمت و فلسفه در تمامی حوزه های باور و رفتار انسان قابلیت بسط خواهد داشت.

اساس حکمت و فلسفه، مستعد نمودن نفس آدمی جهت ارتقای به عالم ملکوت و غایت آفرینش است و این امر بدون عنایت ربانی و موهبت الهی امکان پذیر نیست. از این حیث، حکمت و فلسفه در پیوند با دین و آموزه های آن خواهد بود:

«المراد من الحکمة، الحکمة التي تستعد النفس بها للارتقاء الى المألأ الأعلى و الغایة القصوى و هی عناية ربانية و موهبة الهية؛

۱. صدرالدین شیرازی، الاسفار الاربعة العقلية/ الف، ص ۲۴.

منظور از حکمت، حکمتی است که به واسطه آن، نفس جهت ارتقا به والاترین جایگاه و نهایی ترین مقاصد که عبارت از دست یابی به عنایت ربانی و موهبت الهی است، مستعد می گردد».^۱

ملاصدرا برای تبیین موضوع فلسفه، به تبیین ماهیت انسان پرداخته و انسان را معجونی مرکب از دو عنصر «صورت» (معنوی امری) و «ماده» (حسی مخلوق) دانسته است. صورت یا نفس انسان نیز دارای دو جهت تعلق (به ماده) و تجرد (از آن) است. ناگزیر، فلسفه بر حسب آبادانی، دو ساحت حیات (دنیا و آخرت) از طریق اصلاح دو قوه (نفسانی تجردی و تعلقی) به دو فن تقسیم گردید: حکمت نظری تجردی و حکمت عملی تعلقی تخلق.

به نظر ملاصدرا، غایت حکمت نظری، نظم یافتن نفس به کامل ترین صورت از نظام هستی و وجود و تبدیل شدن فیلسوف در صورت و هیأت، به جهانی عقلی مشابه عالم عینی است و غایت حکمت عملی نیز تحصیل هیأت استعلایی نفس و حاکم نمودن آن بر بدن و نیز متقاد و مقهور ساختن بدن در برابر نفس از طریق اقدام بر انجام اعمال خیر است...؛ همچنان که «کمال حکمت نظری»، علم به احوال مبدأ و معاد و تدبیر در حیات فیما بین این دو، از طریق تأملات دقیق نظری «کمال حکمت عملی» نیز معرفت نسبت به همه امور عملی است که تنظیم نظام معیشت و نجات آخرت در گرو آن است.

براین اساس، رابطه تعاملی محکمی میان حوزه نظر و حوزه عمل انسان وجود دارد؛ به گونه ای که نه حیطة نظر کاملاً مستقل از حیطة عمل است و نه قلمرو عمل فاصله چندانی از قلمرو نظر دارد؛ این بدان جهت است که:

اولاً در برخی مواقع فعالیت فکری، ذهنی و نظری شرط و مقدمه عمل می باشد و در موارد دیگر، عمل و تجارب عینی و عملی مقدمه و شرط فعالیت فکری است.

۱. صدرالدین شیرازی، المظاهر الالهية، مقدمة: ص ۷. مراد از استعداد در اینجا استعداد بالفعل است و الا استعداد بالقوه

قبل از فراگیری حکمت. در انسان وجود دارد